

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال چهارم ♦ شماره ۸ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۷/۰۵ ♦ صفحات: ۱۲۱-۱۰۳

## بررسی عصمت انبیا از منظر ابن تیمیه نتایج و آثار

حمید ملک مکان\*

علی‌اله بداشتی\*\*

علی‌اکبر علی‌زاده\*\*\*

### چکیده

بحث عصمت انبیا از جمله موضوعاتی است که مباحث زیادی را در میان فرقه‌های اسلامی به وجود آورده است. تمام فرق اسلامی در عصمت انبیا پس از بعثت، اتفاق نظر دارند؛ اما در عصمت انبیا پیش از بعثت اختلاف است. ابن تیمیه عصمت انبیا را منحصر به دریافت، حفظ و ابلاغ وحی می‌کند؛ به این معنا که قائل به عصمت مطلق انبیا پیش و پس از بعثت نیست و فرقی بین نبی اکرم ﷺ و سایر انبیا نمی‌گذارد.

در این مقاله در پی یافتن این مسئله هستیم که اگر ابن تیمیه خود را پیرو سنت می‌داند و از نظر او، قول، فعل و تقریر پیامبر حجت است، اولاً تا چه اندازه پایبند به سنت است و ثانیاً دیدگاه او نتایج و آثاری دارد که باید ملتزم به آن شود؛ مانند عدم حجیت مطلق سنت، انکار جاودانگی سنت و سنت‌ستیزی؛ ثالثاً چگونه دیدگاهش را با این چالش جمع می‌کند که اگر پیامبران، علی‌الاطلاق معصوم نباشند، اطمینانی به سخنان آنها باقی نمی‌ماند و فایده بعثت از بین می‌رود.

کلیدواژه‌ها: عصمت انبیا، ابن تیمیه، بعثت، سنت، بدعت.

---

\* استادیار دانشگاه تهران، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، گروه مبانی نظری اسلام؛ H.malekmakan@ut.ac.ir

\*\* استاد دانشگاه قم؛ alibedashti@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب و محقق پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی

alizadeh.aa110@gmail.com

## بیان مسئله

نبوت از اصول بنیادین ادیان الهی از جمله اسلام است و مطلق عصمت، یکی از ضروری ترین شروط پیامبران می باشد و انکار آن موجب انحراف از اسلام خواهد شد. بحث در ابعاد عصمت، از جمله مسائلی است که چالش های زیادی در میان فرقه های اسلامی و متفکران مسلمان به وجود آورده است. ابن تیمیه عالم سلفی تأثیرگذار در اندیشه های اهل سنت، با نظریات و انتقادات شدید به مذاهب مختلف (به ویژه شیعه)، عصمت مطلق انبیا را قبول ندارد و مانند حشویه و برخی از اهل حدیث که با دلایلی از قرآن،<sup>۱</sup> منکر عصمت مطلق انبیا و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم شده اند، عصمت را منحصر به دریافت، حفظ و ابلاغ وحی و رسالت می کند؛ اما در غیر این موارد، انبیا را معصوم از گناه نمی داند؛ چه پیش از نبوت و رسالت و چه پس از آن؛ حال چه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشند و چه سایر انبیا.<sup>۲</sup>

این مقاله درصدد آن است، تا ضمن بررسی دیدگاه ابن تیمیه در باب عصمت انبیا و ذکر ادله او، به آثار، لوازم و نتایج دیدگاه او و نقد و بررسی آن پردازد.

## پرسش اصلی

با توجه به دیدگاه خاص ابن تیمیه در باب عصمت انبیا و به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و ادله او، ادعای پابندی او به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا چه حد درست است و چه نقدها و اشکالاتی بر او وارد است؟

## پرسش های فرعی

تفسیر ابن تیمیه از سنت چیست؟ با توجه به این تفسیر تا چه حد می توان او را پیرو سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست؟ آثار و نتایج دیدگاه او چیست و چه نقدی بر آنها وارد است؟

۱. تمسک به سوره طه، آیه ۱۲۱ و سوره یوسف، آیات ۱۱۰-۱۰۹. (الوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ذیل آیه ۱۲۱ طه).

۲. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه؛ ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷. همان، مجموعه الفتاوی، ج ۱۰، ص ۳۰۹.

## پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی ابن تیمیه و انکار عصمت مطلق پیامبران و پیامبر اکرم ﷺ، کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده و هر کدام به گونه‌ای به دیدگاه اهل سنت و ابن تیمیه درباره عصمت انبیا و ذکر ادله‌ی آنها پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب ابن تیمیه *فکرًا و منهجًا*، نوشته‌ی آیت الله جعفر سبحانی، مقالات «عصمت انبیا از دیدگاه اهل سنت»، «عصمت انبیا از دیدگاه ابن تیمیه»، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، «ابن تیمیه و انکار عصمت پیامبر (ص)»، پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب، «آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه» از حسن اسکندری، «عصمت انبیا در قرآن»، اثر بی بی سادات رضی، «نقد آرای سلفیه در توحید و نبوت»، اثر علی اله‌بداشتی، «عصمت انبیا از دیدگاه عقل و قرآن»، اثر رضا الهی، «عصمت در قرآن»، نوشته‌ی حسن فتحی، «بررسی عصمت انبیا از دیدگاه فخر رازی و مقایسه آن با آرای شیعه»، اثر فریده فروغی اصل، «عصمت انبیا از دیدگاه فخر رازی»، اثر محمد سعیدی مهر، لایا اختیاری و...

مقاله حاضر در طرحی نو، ضمن بازخوانی دیدگاه ابن تیمیه در باب عصمت پیامبران (به ویژه پیامبر اکرم ﷺ در پیش و پس از بعثت) و ذکر ادله او، درباره دیدگاه او در باب سنت، چگونگی پایبندی او به سنت پیامبر ﷺ و آثار، لوازم و نتایج آن پرداخته و نقد و بررسی کرده است.

## عصمت پیش از بعثت از دیدگاه ابن تیمیه

به باور ابن تیمیه، عصمت پیش از بعثت واجب نیست. وی معتقد است که مسلمانان بر این مسئله اتفاق نظر دارند که انبیا، تنها در آنچه از طرف خدا تبلیغ می‌کنند معصومند و به این ترتیب مقصود از بعثت حاصل می‌شود؛ اما وجوب اینکه نبی، پیش از مبعوث شدن به نبوت، خطایی نکند و یا گناهی ننماید، چنین چیزی در نبوت لازم نیست.<sup>۱</sup>

## عصمت پس از بعثت از دیدگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه در کتاب *مجموع الفتاوی*<sup>۲</sup> معتقد است که انبیا حتی بعد از بعثت نیز معصوم

۱. ابن تیمیه، احمد، *منهاج السنة النبویه*، ج ۲، ص ۳۹۷-۳۹۶؛ همان، *مجموعه الفتاوی*، ج ۱۰، ص ۳۰۸.

۲. همان، ص ۳۰۹.



نیستند و با سایر مردم برابرند. او بر این باور است که انبیا تفاوت‌شان با بقیه در این است که توبه را به تأخیر نمی‌انداختند و در توبه‌کردن شتاب داشتند و پیشی می‌گرفتند؛ ضمن اینکه نه تنها، اصرار بر تکرار گناه نداشتند، بلکه معصوم از آن بودند؛ در واقع عصمت انبیا از نظر او به این است که توبه را به تأخیر نیندازند (نه اینکه گناه نکنند)؛ بنابراین ابن تیمیه عقیده دارد، پیامبران حتی پس از بعثت نیز مرتکب گناه می‌شدند؛ منتها تفاوت‌شان با بقیه در این است که بین دو گناه حتماً توبه می‌کردند و هرگز دو گناه را روی هم انباشته نمی‌کردند. از عموم عبارت ایشان استفاده می‌شود که این قاعده، شامل خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم می‌شود؛ به‌ویژه اینکه برای استناد کلامش به آیه ۲۰۱ سوره فتح تمسک می‌کند؛ همچنین در کتاب منهاج<sup>۱</sup> از قول برخی نقل می‌کند که داود بعد از توبه، بهتر از داود پیش از خطا و گناه است و از قول برخی دیگر نقل می‌کند که اگر توبه، بهترین کار نزد خدا نبود، چگونه اکرم الخلق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به گناه مبتلا کرد؟<sup>۲</sup> مرادش از اکرم الخلق نیز نبی اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و از گناه، گناه کبیره است و آن گناه کبیره نزد او همان است که در آیه یک سوره فتح آمده است.<sup>۳</sup>

### دلایل ابن تیمیه بر انحصار عصمت در دریافت، حفظ و ابلاغ رسالت

ابن تیمیه برای ادعای خود به دلایلی تمسک جسته است. برخی از این دلایل عقلی و برخی نقلی است که می‌توان دلایل نقلی را به‌عنوان دلایل اصلی ابن تیمیه برشمرد؛ البته ابن تیمیه به عقل و استدلال عقلی باور ندارد؛ اما در موارد ذیل به نوعی، به استدلال روی آورده و در دلیل دوم و سوم با رد قول روافض، درصدد اثبات قول خود است.

دلیل اول: غرض از بعثت انبیا رساندن احکام خدا به مردم است و این هدف با عصمت ایشان در مرحله تبلیغ، تأمین می‌شود.<sup>۴</sup>

دلیل دوم: ابن تیمیه بر این باور است که امامیه که ادعای عصمت مطلق انبیا دارند، خود در عصمت انبیا اختلاف و نزاع دارند. وی در این زمینه به کلام اشعری در کتاب

۱. همان، منهاج السنه النبویه، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۱۰.

۳. سبحانی، جعفر، ابن تیمیه فکراً و منهجاً، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۴. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنه النبویه، ج ۱، ص ۴۷۰.

المقالات اشاره می‌کند که درباره اختلاف داشتن روافض چنین می‌گوید: در مورد عصمت رسول خدا ﷺ که آیا گناه بر رسول جایز است یا نه، روافض آرای مختلفی دارند؛ در واقع آنها بر دو فرقه شدند؛ فرقه اول گمان کرده‌اند که گناه بر رسول ﷺ جایز است و شاهد آن این است که نبی ﷺ در روز بدر در گرفتن فداء، دچار گناه شد؛ اما بر ائمه گناه جایز نیست؛ بنابراین اگر رسول ﷺ گناه کند، چون وحی بر او نازل شود، از طرف خدا بخشیده می‌شود؛ اما ائمه چون بر آنها وحی نازل نمی‌شود و ملائکه بر آنها هبوط نمی‌کنند و معصوم هستند، پس بر آنها جایز نیست که سهو کنند و اشتباهی مرتکب شوند؛ اگرچه بر رسول ﷺ گناه جایز است؛ گفته شده که قائل این قول، هشام بن حکم است.<sup>۱</sup>

فرقه دوم از آنها گمان کرده‌اند که بر رسول ﷺ معصیت خداوند عزوجل جایز نیست؛ همچنین بر ائمه نیز جایز نیست؛ زیرا همه آنها حجت‌های خدا هستند و از لغزش و خطا معصوم هستند.<sup>۲</sup>

دلیل سوم: وی قول کسانی (روافض) را که قائلند، انبیا از توبه از گناه معصوم‌اند، رد می‌کند و می‌گوید: آنها هیچ دلیلی از کتاب، سنت رسول الله ﷺ و امامی از سلف که قول‌شان را تأیید کند، ندارند. تنها مبدأ حرف آنها، اهل هوا (مثل رافضیان و معتزله) هستند و دلیل آنها آرای ضعیفی از جنس قول کسانی است که در دل‌هایشان بیماری است.<sup>۳</sup>

ابن تیمیه بر این باور است که توبه بعد از گناه درجات را بالا می‌برد. وی می‌گوید: جمهور مسلمانان معتقدند که لازم است نبی، اهل نیکی و تقوا باشد؛ در حالی که متصف به صفات کمال است و ارتکاب برخی از گناهان توسط انبیا و توبه از آن گناهان باعث ترفیع درجه نیز می‌شود، منافاتی با مقام نبوت ندارد... تفضل خداوند بر انبیا به واسطه‌ی رحمت و مغفرت است.<sup>۴</sup>

۱. (همان، ج ۲، ص ۲۹۳)؛ «اشعری در مقالات الاسلامیین این عقیده را به هشام نسبت می‌دهد»؛ (اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۴۸).

۲. همان، ص ۳۹۴.

۳. ابن تیمیه، احمد، جامع الرسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.

۴. همان، منهاج السنة النبویه، ج ۲، ص ۳۹۷.



وی می‌گوید: پس چگونه باید انبیا را به وصف توبه توصیف کنیم، جز اینکه بگوییم در این توبه برای آنها کمالی وجود دارد.<sup>۱</sup> بدان که قرآن و حدیث و اجماع سلف، در تقریر این اصل گواه بر آنهاست.<sup>۲</sup>

دلیل چهارم: ابن تیمیه معتقد است که خدای تعالی قصه آدم علیه السلام و نوح علیه السلام و داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام و موسی علیه السلام و غیر اینها را ذکر کرد؛ چنان که به برخی از آنها در آنجایی که توبه و استغفار انبیا را ذکر کردیم، اشاره کرده است؛ مثلاً خداوند<sup>۳</sup> فرموده: سپس آدم علیه السلام از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و خدا بر او ببخشود.<sup>۴</sup>

یا چنان که نوح علیه السلام گفت: پروردگارا، من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیان‌کاران باشم.<sup>۵</sup>

یا ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای؛<sup>۶</sup> همچنین گفت: و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید.<sup>۷</sup> خداوند سبحان فرمود: پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان طلب مغفرت کن...<sup>۸</sup> و نیز فرمود: و ذوالنون را یاد کن، آن‌گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در دل تاریکی‌ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست؛ منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم؛ پس دعای او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را نیز چنین نجات می‌دهیم؛<sup>۹</sup> همچنین فرمود: و داود بنده ما را که دارای امکانات متعدد بود به یاد آور. آری او بسیار بازگشت‌کننده به سوی خدا بود. ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم که شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند.<sup>۱۰</sup> در جایی دیگر فرمود: و داود

۱. همان، ص ۴۰۰.

۲. همان، ص ۴۰۱.

۳. سوره بقره، آیه ۳۷.

۴. همان، منهاج السنة النبویه، ج ۲، ص ۴۰۱.

۵. سوره هود، آیه ۴۷.

۶. سوره ابراهیم، آیه ۴۱.

۷. سوره شعراء، آیه ۸۲.

۸. سوره محمد، آیه ۱۹.

۹. سوره انبیا، آیات ۸۸-۸۷.

۱۰. سوره ص، آیات ۱۸-۱۷.



دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم؛ پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو در افتاد و توبه کرد و بر او این ماجرا را بخشودیم و در حقیقت برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواهد بود؛<sup>۱</sup> در ادامه فرمود: و قطعاً سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفکنیم؛ پس به توبه باز آمد و گفت: پروردگارا مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد؛ در حقیقت تویی که خود بسیار بخشنده‌ای.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه می‌گوید: اما مذهب سلف و ائمه و اهل سنت و جماعت را (که قائلند به اینکه کتاب و سنت بر توبه انبیا از گناهان دلالت می‌کند)، در آیات قرآن که دلالت بر آن دارند ذکر کردیم. در صحیحین از ابوموسی اشعری از نبی اکرم ﷺ آمده که پیامبر ﷺ چنین دعا می‌کرد: بار خدایا بر من خطا، نادانی و اسراف در امور را ببخش و ببخش آنچه را تو داناتر از من به آن هستی. بار خدایا معصیت‌های جدی، شوخی، خطا و عمدی و هر آنچه را نزد من است، بر من ببخش. بار خدایا گناهان گذشته، آینده، پنهانی و آشکار را بر من ببخش.<sup>۳</sup>

نتیجه آنکه ابن تیمیه با این دلایل درصدد است تا ثابت کند که انبیا تنها در دریافت، حفظ و ابلاغ وحی عصمت دارند؛ اما در موارد دیگر ممکن است به گناه آلوده شوند و توبه کنند.

### نقد و بررسی دلایل ابن تیمیه

پاسخ به دلیل اول: پیامبران به‌عنوان راهنمایان مردم از طرف پروردگار، اگر دچار خطا و لغزش شوند، اعتماد مردم را از دست می‌دهند و هدف بعثت از بین می‌رود؛ بنابراین نمی‌توان گفت که تنها با عصمت در مرحله تبلیغ، غرض از بعثت انبیا تأمین می‌شود؛ بلکه در موارد دیگر، از جمله در گناه، عمل، سهو و نسیان نیز، باید عصمت داشته باشند.

استاد جوادی آملی در این مورد می‌فرماید: اگر پیامبران اشتباه کنند و خدای سبحان ما را به اطاعت بی‌قید و شرط از آنان ملزم کند، مصداق اغرای به جهل است که با

۱. سوره ص، آیه ۲۵-۲۴.

۲. سوره ص، آیات ۳۵-۳۴.

۳. ابن تیمیه، احمد، جامع الرسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.



حکمت حکیم علی الاطلاق سازگار نیست.<sup>۱</sup>

همچنین در جای دیگر در این رابطه چنین استدلال می‌کنند: پیامبران هم در مقام اندیشه و هم در موقعیت کردار و عمل، از هرگونه خطا مصون و معصوم‌اند؛ صغرا: زیرا پیامبران به تصریح قرآن از صالحان هستند؛ «کل من الصالحین»<sup>۲</sup>؛ کبرا: و کسی که از صالحان باشد در ولایت خدا قرار دارد. «ان ولیی الله الذی نزل الکتاب و هویتولی الصالحین»<sup>۳</sup>؛ نتیجه: پس پیامبران در ولایت و سرپرستی مستقیم خداوند قرار دارند؛ لذا از هرگونه گزرویی و خطااندیشی و خطاکاری پاک هستند.<sup>۴</sup>

آیاتی که به پیروی بی‌چون و چرا از پیامبران دستور می‌دهند نیز، بر عصمت آنان از سهو و خطا دلالت دارند؛ مانند: «وما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»<sup>۵</sup>؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم، جز آنکه دیگران به امر خدا باید مطیع فرمان او شوند.

استاد مصباح در مورد عصمت مطلق انبیا به همین آیه، چنین استدلال می‌کنند: این آیه در مورد نبوت عامه است و عصمت مطلق همه پیامبران را اثبات می‌کند؛ زیرا اگر انبیا مصون از خطا و اشتباه نباشند و در عین حال، مردم به پیروی مطلق از رفتار و گفتار آنان مأمور شوند، نوعی تناقض در اوامر و نواهی الهی پدیدار خواهد شد.<sup>۶</sup>

همچنین علامه طباطبایی، دلیل اینکه انبیا از گناه و معصیت هم عصمت دارند را این می‌داند که در غیر این صورت، حرف و عمل آنها به تناقض منجر می‌شد. او می‌گوید: هر عملی در نظر عقلا، مانند سخن، دلالتی بر مقصود دارد. وقتی فاعلی فعلی را انجام می‌دهد، یعنی آن عمل را عملی خوب و جایز شمرده است؛ عیناً مثل این است که با زبان گفته باشد، این عمل، عمل خوب و جایزی است؛ حال اگر فرض کنیم از پیامبری گناهی سر بزند (چنان که ابن تیمیّه به آن قائل است)، با اینکه خود آن پیامبر به مردم دستور داده که این عمل گناه است و آن را مرتکب نشوید، قطعاً این عمل وی

۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۹، ص ۳۴۹.

۲. سوره انعام، آیه ۸۵.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۹، ص ۲۲۷.

۵. سوره نساء، آیه ۶۳.

۶. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، ج ۲، ص ۲۸.



دلالت بر تناقض‌گویی او دارد؛ چون عمل او مناقض گفتار اوست و در چنین فرضی، این پیغمبر، مبلّغ هر دو طرف تناقض است و تبلیغ تناقض هم تبلیغ حق نیست؛ زیرا کسی که از تناقض خبر می‌دهد، از حق خبر نداده، بلکه از باطل خبر داده است؛ چراکه هر یک از دو طرف، طرف دیگر را باطل می‌داند؛ پس هر دو طرف باطل است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که عصمت انبیا در اخذ و تبلیغ رسالت تمام می‌شود، مگر آنکه عصمت از معصیت هم داشته باشند و از مخالفت خدای تعالی مصون بوده باشند.<sup>۱</sup>

پاسخ دلیل دوم: اولاً استدلال هشام درباره عصمت امام و دلایل او، گواه بر این است که وی معتقد است که به طریق اولی نبی نیز معصوم است؛<sup>۲</sup> زیرا دور از ذهن است که هشام معتقد باشد که چون به امام وحی نمی‌شود و اعلان خطای وی میسر نیست، امام معصوم است؛ ثانیاً سخن هشام در مقام الزام خصم بوده است؛ یعنی او درصدد اثبات عصمت امام بوده، نه انکار عصمت پیامبر ﷺ؛ اما برخی مقصود هشام را درک نکردند. مقصود هشام این است که با توجه به اینکه پیامبر ﷺ مؤید به وحی است و اعلان خطای وی به وسیله وحی ممکن می‌باشد، اما عصمتش نیز بر حسب برهان لازم است؛ در این صورت عصمت امام که از وسیله وحی محروم است، به طریق اولی لازم است.<sup>۳</sup>

همچنین این عقیده با استدلال هشام درباره ضرورت ارسال رسل نیز ناسازگار است؛ از دیدگاه او، پیامبران حجت خدا در روی زمین، مبین احکام الهی، وسیله رفع اختلاف مردم و معیار شناخت حق و باطل هستند؛ پس چگونه چنین افرادی با مسئولیت‌های مهم می‌توانند در معرض گناه باشند؟<sup>۴</sup>

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف نظر ابن تیمیه، شیعیان در مسئله عصمت اختلافی ندارند و همه متفق هستند که پیامبران عصمت مطلق دارند.

۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۱۳ بقره، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. «هشام برهان اقامه حدود و تنافی گناه با شئون امامت را به عنوان دلیل عصمت امام مطرح می‌کند»؛ (اسعدی، هشام بن حکم، ص ۲۲۰-۲۱۹).

۳. نعمه، عبدالله، هشام بن حکم، ص ۲۰۳؛ صفایی، احمد، هشام بن حکم، ص ۴۴؛ رضی بهابادی، بی‌بی سادات، «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرة المعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، شیعه‌شناسی، ش ۴۸، ص ۱۸۰-۱۴۹.

۴. اسعدی، علی رضا، هشام بن حکم، ص ۱۹۰-۱۸۹.

پاسخ دلیل سوم: اولاً لازمه چنین دلیلی این است که مقام کسی که اصلاً گناه نکرده، از مقام کسی که گناه کرده و بعد توبه نموده است، پایین تر باشد؛ ثانیاً دلیلی وجود ندارد که اصحابی که از شرک توبه کرده اند، برتر از فرزندان شان باشند؟! پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکی از فضایل علی عَلِيٌّ را شرک نورزیدن ایشان به خدا دانسته است؛ ثالثاً همواره توبه از معصیت اصطلاحی نیست و اولیا و مقربان، توجه به غیر خدا را برای خود گناه شمرده و از آن توبه می کنند؛ رابعاً آیا لازمه این سخن بی پایه، این نیست که پیامبران هر چه بیشتر گناه انجام دهند و به دنبالش توبه کنند، به همان اندازه به مقام های بالاتری می رسند؟ یکی دیگر از دلایل نقض گفتار ابن تیمیه که می توان به آن اشاره کرد، الگو بودن سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ به این بیان که ابن تیمیه، قول، فعل و تقریر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را سنت و حجت می داند. اگر گناه حتی پس از بعثت بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جایز باشد، چون فعل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجت است، برای کسانی که شاهد آن فعل هستند (به عنوان سنت)، عمل به آن جایز است؛ در حالی که گناه و معصیت خدا جایز نیست؛ در این صورت بنده در روز قیامت از یک سو به دلیل ارتکاب معصیت باید مجازات شود و از سوی دیگر، چون از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروی کرده، مستحق پاداش است و این جمع نقیضین می باشد و محال است.

پاسخ دلیل چهارم: ابتدا باید به این نکته توجه کرد که پیش از تمسک به ظاهر آیات قرآن، چون بین عقل و وحی تنافی وجود ندارد، لازم است آیات به گونه ای معنا شوند که با حکم قاطع عقل، تعارض نداشته باشند. این اصل کلامی، ریشه در صفات الهی، از جمله علم، قدرت و حکمت آفرینش، حکمت تشریح و بالأخره تنزه خداوند از هرگونه قبح، ظلم و عبث دارد. اگر رسولی در دریافت یا رساندن وحی خطا کند، جهل یا عجز یا ناشایستگی در کار ربوبی را نشان خواهد داد؛ بلکه اگر پیامبری ضرورتاً معصوم نباشد، یا در هدایت وی اشتباه عمدی یا سهوی رخ خواهد داد و یا دست کم، امت، اعتماد لازم را در خصوص پیامبری او از دست خواهند داد و الهی بودن همه تکالیف و پیام هایش را قبول نخواهند کرد. در قسم اول، اغرای به جهل و گمراهی مردم و در صورت دوم، لغو و عبث لازم می آید و ساحت مقدس ربوبی از هر دو امر منزّه است.

## پاسخ برخی از دلایل نقلی ابن تیمیه

۱. سورة حج: این آیات که ابن تیمیه نیز در باب توبه انبیا به آن تمسک کرده و معتقد است که سلف امت و ائمه‌ی آنها و کسانی که از آنها تبعیت می‌کنند متفق‌اند بر اینکه آنچه خداوند در کتابش به آن خبر داده و آنچه از رسول الله ﷺ ثبت شده، توبه انبیا از ارتکاب گناهان است و با این توبه، خدا درجات آنها را بالا برده است؛<sup>۲</sup> این موضوع از مهم‌ترین دستاویزهای قائلان به عدم عصمت مطلق انبیاست و القای شیطان در آرزوهای پیامبران را به معنای دخالت شیطان در کار وحی گرفته‌اند؛ درحالی‌که مسلماً منظور آیه چنین معنایی نیست؛ چنان‌که خداوند صریحاً القائات را از ساحت مقدس انبیا و حتی بندگان شایسته، نفی می‌نماید. همانا برای تو بر بندگان من سلطنتی نیست؛<sup>۳</sup> به عزت قسم که همه بندگان را گمراه می‌کنم، مگر بندگان خالص شده‌ات را.<sup>۴</sup>

۲. آیات ۳۵ و ۳۷ سوره بقره: آیات ۱۹ و ۲۴ سوره اعراف و آیات ۱۱۵ الی ۱۲۳ سوره طه که مربوط به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام است، ظاهر آنها بر فریب خوردن آدم عَلَيْهِ السَّلَام از شیطان و عصیان و گمراهی او دلالت می‌کند و در نتیجه، بیان‌گر عدم عصمت اوست و ابن تیمیه نیز به آن تمسک می‌جوید!<sup>۵</sup>

پاسخ به این شبهه از چند طریق امکان‌پذیر است: اولاً نهی در آیات، نهی ارشادی است، نه مولوی و تحریمی و زبان این نهی، زبان ناصح مشفق است که از عاقبت عمل خبر می‌دهد و عدم انجام امر ارشادی یا ارتکاب نهی ارشادی، خللی به عصمت وارد نمی‌سازد؛ ثانیاً با فرض اینکه امر و نهی در آیات، مولوی باشند، غیرالزامی و تنزیهی‌اند که از آن به ترک اولی تعبیر می‌شود و ارتکاب آن، گناه مطلق مصطلح شمرده نمی‌شود؛ بلکه گناه نسبی به حساب می‌آید؛ یعنی شایسته نیست که چنین عملی از چنان شخصی صادر شود و به قول مشهور «حسنات الابرار سیئات المقربین»؛ ثالثاً آنچه مخالف مقام عصمت است، عصیان یک انسان مکلف است؛ درحالی‌که حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در زمان و

۱. سوره حج، آیات ۵۴-۵۲.

۲. ابن تیمیه، احمد، جامع الرسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۶۵؛ سوره حجر، آیه ۴۲.

۴. سوره ص، آیات ۸۳-۸۲.

۵. ابن تیمیه، احمد، جامع الرسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.



مکانی بوده که عالم تبلیغ و تشریح و تکلیف نبوده است؛ بلکه بعد از هبوط و سکونت بر روی زمین و تشریح شرایع و انزال کتب، تکلیف الهی شروع شده است؛ پس مخالفت‌های پیش از شریعت نمی‌تواند ناقض مقام عصمت باشد.<sup>۱</sup>

۳. در آیه ۴۷ سوره هود، حضرت نوح علیه السلام از اینکه تقاضایی کرده که از آن آگاه نبود، عذرخواهی می‌کند؛ همچنین از خداوند تقاضای غفران و بخشش و رحمت می‌نماید و نیز می‌گوید: اگر مرا مورد مغفرت و رحمت قرار ندهی زبان‌کار خواهم بود.<sup>۲</sup> حال پرسش این است که اگر نوح علیه السلام معصوم بوده، چرا تقاضای نابجایی از خداوند نموده تا مورد عقاب خداوند قرار بگیرد و ناگزیر به عذرخواهی و استغفار شود؟

در مقام پاسخ باید گفت که این کلام حضرت نوح علیه السلام که فرمود: «وَالَا تَغْفِر لِي وَ تَرَحُّمِي اَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»، کلامی به‌صورت توبه است؛ ولی در حقیقت، شکرگزاری در برابر نعمت‌هایی است که خدا به او ارزانی داشته و او را علم و ادب آموخته است؛ زیرا نوح علیه السلام به خداوند پناه می‌برد و خود این، بازگشت به خدا و لزوم طلب مغفرت و رحمت خداست؛ یعنی طلب آنکه موجبات لغزش و هلاکت آدمی را پوشیده دارد و عنایتش شامل حال او گردد؛ پس مقصود نوح علیه السلام این است که اگر مرا از لغزش‌ها پناه نداده بودی ضرر کرده بودم و این خود ثناخوانی و شکرگزاری در برابر صنع جمیل الهی است.<sup>۳</sup>

۴. درباره دو آیه اول سوره فتح که مربوط به عصمت شخص حضرت خاتم الانبیا، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و دستاویز مخالفان و ابن تیمیه<sup>۴</sup> قرار گرفته، اولاً «ذنب» و «غفران» در آیه در معنای لغوی خود به‌کار رفته‌اند. ذنب در لغت به معنای آثار شوم و تبعات عمل و غفران به معنای ستر و پوشاندن است؛ در نتیجه، معنای آیه این خواهد بود: ما به تو فتحی عنایت کردیم تا با آن عواقب کار رسالت تو پوشش داده شود.

توضیح آنکه مشرکان مکه، چه پیش از هجرت و چه بعد از آن، ذهنیات نادرستی

۱. سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۲۱؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۸۸؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. ابن تیمیه، احمد، جامع الرسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۰۶ و ۳۴۱.

۴. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۲، ص ۴۳۲.

درباره اسلام و شخص پیامبر ﷺ داشتند که پیروزی‌های بعدی، بر همه‌ی آنها خط بطلان کشید و تبعات دعوت پیامبر ﷺ هم که در آغاز، زندگی مشرکان را از هم پاشیده بود، به وسیله پیروزی ایشان، کم‌کم به دست فراموشی سپرده شد؛<sup>۱</sup> با این وصف ذنب و غفران در این آیه، در معنای اصطلاحی‌شان به کار نرفته‌اند؛ بنابراین هیچ منافاتی با مقام عصمت نخواهند داشت.

ثانیاً، به فرض که ذنب و غفران در معنای اصطلاحی خود به کار رفته باشند، مقصود، عملی است که از نظر مشرکان گناه بوده و خلاف قانون آنان باشد و این یعنی انکار بت‌هایشان؛ نه مخالفت با قانون الهی تا اینکه تنافی با مقام عصمت داشته باشد.<sup>۲</sup>

### نتیجه

اولاً با وجود دلایل عقلی و نقلی، باید از ظواهر آیاتی که با مقام عصمت انبیا سازگار نیستند دست کشید؛ ثانیاً بسیاری از آیات فوق اگر درست معنا شوند، منافاتی با مقام عصمت انبیا ندارند؛<sup>۳</sup> ثالثاً آیات زیادی در قرآن هست که دلالت بر وجود و لزوم عصمت در انبیا دارد.<sup>۴</sup>

### دیدگاه ابن تیمیه درباره سنت و نقد آن

ابن تیمیه سنت را به معنای آثار رسیده از پیامبر ﷺ و اصحابش می‌داند. وی در تعریف سنت می‌گوید: «إِنَّ السُّنَّةَ هِيَ مَا كَانَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابُهُ اعْتِقَادًا، اقْتِصَادًا، قَوْلًا وَعَمَلًا؛ عقاید، اقوال و افعال رسول‌الله و اصحابش سنت است»؛<sup>۵</sup> و بدعت را به معنای مخالفت با کتاب، سنت و آثار به‌جا مانده از صحابه، تفسیر کرده‌اند؛ برای نمونه، ابن تیمیه به منظور توجیه حمل صفات باری بر معنای ظاهری گفته است:

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۱؛ سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۱۲۴؛ طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

۲. سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ج ۵، ص ۱۲۵.

۳. مانند آیات ۶۷-۶۵ سوره زمر؛ آیه ۱۲۰ سوره بقره؛ آیات ۵۳-۵۲ سوره حج؛ آیات ۳۷-۳۵ سوره بقره؛ آیات ۲۴ و ۱۹ سوره اعراف؛ آیات ۱۲۳-۱۱۵ سوره طه؛ آیات ۲-۱ سوره فتح و...

۴. مانند آیات ۴۸-۴۵ سوره ص؛ آیات ۹۰-۸۴ سوره انعام؛ آیات ۳۲-۳۱ سوره آل عمران؛ آیه ۸۰ سوره نساء؛ آیات ۲۸-۲۶ سوره جن و آیه ۳۳ سوره احزاب.

۵. ابن تیمیه، احمد، فتوی الحمویة الکبری، ص ۵۳.



صحابه بیش از این نفهمیده‌اند و تفسیری غیر از این ارائه نداده‌اند؛<sup>۱</sup> در حالی که این تفسیر او از سنت صحیح نیست. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: هر چه که اصلی از اصول شریعت بر آن دلالت کند سنت است، وگرنه بدعت نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> شاطبی (متوفای ۷۹۰ ق) که کامل‌ترین پژوهش را در زمینه‌ی معرفی سنت و بدعت انجام داده، در تعریف بدعت می‌گوید: بدعت این است که فردی با انگیزه مبالغه در عبادت، طریقی جدید و ساختگی، شبیه آنچه در دین هست به وجود آورد.<sup>۳</sup> سایر علمای اهل سنت نیز همین نگاه را به بدعت و سنت دارند و قول و فعل اصحاب را ملاک بدعت و سنت نمی‌دانند؛ از سوی دیگر، اینکه قرون ثلاثه و سلف، معیار تشخیص بدعت از سنت باشند، بدعتی است که ابن تیمیه بنیان گذاشته است. مستمسک ابن تیمیه و پیروانش بر این مدعی (که قول، فعل، فهم و ترک سلف، ملاک تشخیص بدعت و سنت است)، روایت معروف خیر القرون می‌باشد. ابن تیمیه و پیروانش مدعی‌اند که مراد از خیریت در روایت خیر القرون، خیریت از تمام جهات است؛<sup>۴</sup> اما شاطبی معتقد است که مراد از خیریت، خیریت در جهت ایمان و عمل است و لا غیر.<sup>۵</sup> ابن حجر در فتح الباری روایت صحیح‌های را آورده که می‌گوید: برتر از صحابه رسول الله ﷺ، قومی است که به رسول الله ﷺ ایمان می‌آورند، در حالی که او را ندیده‌اند؛<sup>۶</sup> بنابراین طبق این روایت، خلف از سلف برتر دانسته شده است.

## برخی از آثار، لوازم و نتایج دیدگاه ابن تیمیه

دیدگاه ابن تیمیه نتایج و آثاری دارد که وی باید ملتزم به آنها باشد که عبارت‌اند از:

### ۱. عدم حجیت مطلق سنت

حجیت سنت انبیا و پیامبر اکرم ﷺ از جمله مسائلی است که مسلمانان بر اعتبار آن اجماع داشته و آن را هم‌تراز قرآن قلمداد می‌کنند؛ هر چند در محدوده آن اختلاف دارند؛

۱. همان، ۱۵.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۲۵۳.

۳. شاطبی، ابراهیم، الاعتصام، ج ۱، ص ۳۷.

۴. ابن تیمیه، احمد، فتوی الحمویة الكبرى، ص ۱۲.

۵. شاطبی، ابراهیم، الاعتصام، ص ۲۵۸.

۶. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۶.

از طرف دیگر، دلایل عقلی بر حجیت سنت وجود دارد؛ از جمله اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مأمور به تبلیغ و تبیین قرآن بوده و در این راه عصمت دارد و دلایل متعددی بر عصمت ایشان اقامه شده و راست گفتاری آن حضرت از طریق معجزه اثبات گردیده است؛ اما چون بسیاری از احکام اسلام در قرآن به صورت موجز و مختصر آمده و نیازمند تخصیص، تقیید و بیان و تبیین است، چنانچه سنت حجت نداشته باشد، بسیاری از احکام اسلام، غیر قابل فهم، غیر عملی و تعطیل می‌گردد؛ زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تنها واسطه‌ی اخذ و قرائت قرآن نیست؛ بلکه باید مفاهیم و محتوا را نیز بیان و تفسیر کنند؛ از این رو، اگر بیان ایشان به طور مطلق حجت نباشد، فایده و حکمتی برای تبیین ایشان و ارجاع مردم به آن حضرت باقی نمی‌ماند.

علاو بر آن، نتیجه دیدگاه ابن تیمیه به‌رغم مخالفانی که از شیعه و سنی دارد، انکار اصل حجیت سنت است؛ چراکه حجیت سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گفتار و کردار، بر دو پایه اثبات عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خطا و گناه و اطمینان به صدور آن از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استوار است؛ از این رو بدیهی است، زمانی می‌توان از حجیت سنت گفتاری و کرداری انبیا سخن به میان آورد که آنان را مصون از خطا و نسیان و انجام صغایر بدانیم؛ در غیر این صورت، اطمینانی به درستی گفتار یا کردار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود نخواهد داشت.

## ۲. انکار جاودانگی سنت

جاودانگی در لغت، معادل کلمه «خلود» در عربی است و در زبان فارسی، حاصل مصدر به معنای ابدی و جاودانه بودن است؛<sup>۱</sup> اما در اصطلاح به این معناست که احکام، قوانین و دستورالعمل‌های شریعت مقدس اسلام، نسخ‌ناپذیر، ابدی و دائمی است و در بستر زمان و گذر ایام از ابدیت و خلود برخوردار است.

برای اثبات جاودانگی سنت علاوه بر سنت و اعتبار آن می‌توان، به آیاتی که به تبعیت و اطاعت از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر می‌کند تمسک کرد.<sup>۲</sup>

برخی از اندیشمندان اسلامی مانند محمد قرطبی<sup>۳</sup> و فخر رازی<sup>۴</sup> آیه ۴۴ سوره نحل

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۲۰۹۳.

۲. مانند آیه ۷ سوره حشر یا آیه ۴۴ سوره نحل.

۳. قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱۰، ص ۱۹.

۴. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، ج ۲۰، ص ۳۸.



را یکی از ادله حجیت سنت نبوی ذکر کرده‌اند.

خود قرآن به روشنی در آیات ذیل به این امر تصریح کرده است:

دو نمونه از آیاتی که از لزوم ایمان بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن رانده آیه ۱۳۶ سوره انعام و آیه ۶۵ سوره نساء می‌باشند. آیاتی که فرمان‌برداری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در ردیف اطاعت از خدا واجب دانسته نیز، آیه ۳۱ سوره آل عمران، آیه ۲۱ سوره احزاب، آیه ۷ سوره حشر و آیات ۵۹ و ۸۰ سوره نساء می‌باشند.

آیاتی که از نافرمانی و پیشی گرفتن از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر حذر داشته‌اند نیز، آیه ۶۳ سوره نور، آیه ۱۱۴ سوره نساء و آیه ۳۶ سوره احزاب است. آیاتی که از جایگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به قرآن و تفسیر آن سخن گفته نیز، آیات ۴۴ و ۶۴ سوره نحل می‌باشد.

اما درباره جایگاه و اعتبار سنت در اسلام باید به این نکته مهم توجه کرد که اگر، به کلیاتی که در قرآن آمده اکتفا شود، معارف و تکالیف بسیاری بدون مدرک و پیرابهام می‌ماند؛ چنان‌که درباره احکام و فروع عملی در قرآن تنها پانصد آیه وجود دارد<sup>۱</sup> و اگر محرمات را به آن اضافه کنیم، تنها شمار اندکی از احکام که در قرآن مطرح شده باقی می‌ماند؛<sup>۲</sup> در این صورت، با توجه به اختصارگویی و کلی‌گویی قرآن بسیاری از احکام را باید از راه سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فهمید.<sup>۳</sup>

حال با توجه به اعتبار و جایگاه سنت که مفسر و تبیین‌کننده احکام قرآن است و آیاتی که اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را امر فرموده و آن را راز جاودانگی سنت قرار داده، آیا می‌توان ابن تیمیه را که پیامبران و از جمله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را خطاکار می‌داند، قائل به جاودانگی سنت دانست؟

### ۳. سنت‌ستیزی

صحابه‌محوری یکی از شواهد سنت‌ستیزی است<sup>۴</sup> و ابن تیمیه به‌عنوان یکی از قائلان آن معتقد است که تمام صحابه عادل‌اند و هر کس از صحابه انتقاد کند، زندیق است و با

۱. نجمی، محمد صادق، سیری در صحیحین، ص ۲۹.

۲. سوره انعام، آیه ۱۴۵.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۶۱.

۴. برای توضیح درباره شواهد سنت‌ستیزی ر.ک: اخوان، محمد، «سنت‌ستیزی»، اندیشه نوین دینی، ش ۵ و ۴، ص ۶۸-۲۱.



فضیلت‌ترین مردم بعد از انبیا صحابه هستند و صحابه مجتهدند و سنت، به واسطه‌ی فتوای صحابه تشریح شده است.<sup>۱</sup> تمام این معانی گواه بر این است که می‌خواستند چراغ الهی نبوت را خاموش کنند. مقام عصمت نبوی را نادیده بگیرند و ایشان را در حد فردی فراموش‌کار و خطاکار یا مجتهدی عادل، تنزل دهند.

ابن تیمیه با بالا بردن شأن صحابه و عادی جلوه دادن پیامبران (به‌ویژه پیامبر اکرم ﷺ)، درصدد بود تا شأن پیامبر ﷺ و مقام ولای عصمت ایشان را در حد یک فرد عادی پایین بیاورد؛ چنان‌که ادعا می‌کرد، پیامبران، به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ پس از مرگ، کوچک‌ترین تفاوتی با افراد عادی ندارند. او در این راستا، مسائلی را در تعارض با دیدگاه علمای جهان اسلام بیان می‌کند؛ مثلاً می‌گوید: سفر برای زیارت پیامبر ﷺ حرام است. کیفیت زیارت پیامبر ﷺ از کیفیت زیارت اهل قبور تجاوز نمی‌کند؛ هر نوع پناه و سایبان بر قبور حرام است؛ پس از درگذشت پیامبر ﷺ، هرگونه توسل به آن حضرت بدعت و شرک به‌شمار می‌آید. سوگند به پیامبر ﷺ و قرآن و یا سوگند دادن خدا به آنها شرک می‌باشد و برگزاری مراسم جشن و شادی در تولد پیامبر ﷺ، بدعت به‌شمار می‌رود.<sup>۲</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله، با بیان دیدگاه و ادله‌ی ابن تیمیه و نقد و بررسی آنها، یافتیم که در نگاه او، پیامبران و به‌ویژه پیامبر اکرم ﷺ، تنها در دریافت، حفظ و ابلاغ رسالت معصوم از اشتباه و خطا هستند و در غیر این موارد، دچار خطا، گناه و اشتباه می‌شوند؛ در این صورت، نتیجه این خواهد شد که بین حرف و عمل پیامبران تناقض پیش می‌آید؛ چراکه با ارتکاب گناه، عمل‌شان مناقض گفتارشان خواهد بود.

همچنین با توجه به تعریف او از سنت، این نکته به‌دست آمد که ادعای پیروی او از سنت تا چه اندازه سست و بی‌بنیاد است و آثار، لوازم و نتایجی دارد که التزام به آنها مستلزم خروج از دین و اسلام است.

۱. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۲، ص ۲۲ و ۱۴؛ همان، ج ۵، ص ۲۶۲ و ۷۲؛ همان، ج ۶، ص ۳۲۷ و ۳۰۵ و

۲۵۴؛ ابن تیمیه، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، ص ۵۸۱-۵۸۷، ۵۷۱-۵۷۸، ۵۶۹، ۵۶۸

۲. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، ج ۱، ص ۶.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسعدی، علی رضا، هشام بن حکم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۳. اخوان، محمد، «سنت ستیزی»، اندیشه نوین دینی، قم: ش ۴ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: نشر مرکز اسراء، ۱۳۸۸ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، وحی و نبوت در قرآن، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
۷. سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۸. سبحانی، جعفر، ابن تیمیه فکراً و منهجاً، قم: نشر مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۳۳ق.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۰. رضی بهابادی، بی بی سادات، جواندل، نرجس، «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرة المعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، شیعه شناسی، قم: ش ۴۸، ۱۳۹۳ق.
۱۱. صفایی، احمد، هشام بن حکم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ق.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ق.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ش.
۱۵. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، جامع الرسائل، محقق: محمد رشاد سالم، ریاض: دار العطاء، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۷. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، مجموعة الفتاوی، ریاض: دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۸. ابن تیمیه، أحمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویه، تحقیق: محمد رشاد سالم، مصر: مؤسسه قرطبه، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

١٩. ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم، الفتاوى الكبرى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٩٨٧م.
٢٠. ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم، فتوى الحموية الكبرى، محقق: حمد بن عبدالمحسن تويجري، رياض: دارالصميعي، چاپ دوم، ٢٠٠٤م.
٢١. ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم، الصارم المسلول على شاتم الرسول، محقق: محمد محي الدين عبدالحميد، عربستان: الحرس الوطني السعودي، بی تا.
٢٢. اشعري، علي بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، مصحح: هلموت ريتز، آلمان: انتشارات فرانس شتاينر، چاپ سوم، ١٤٠٠ق.
٢٣. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، قاهره: مكتبه العلم، بی تا.
٢٤. شاطبي، ابراهيم بن موسى، الاعتصام، بيروت: دارالمعرفه، ١٣٧٦ش.
٢٥. رازی، فخرالدين محمد، التفسير الكبير، لبنان: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٢٦. ذهبي، ابو عبدالله شمس الدين محمد، تذكرة الحفاظ، بيروت: دارالكتب العلميه، بی تا.
٢٧. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه اعلمى للمطبوعات، ١٤١٧ق.
٢٨. قرطبي، محمد، الجامع لاحكام القرآن، بيروت: مؤسسه التاريخ العربى، ١٤١٤ق.
٢٩. نعمه، عبدالله، هشام بن حكم، بيروت: دارالفكر اللبناني، ١٤٠٤ق.
٣٠. نجمي، محمد صادق، سيرى در صحيحين، بی جا: بی نا، ١٣٧٣ش.



